



گفت و گوی صبا با نیما اکبرخانی نویسنده

## نسخه کاغذی کتاب هنوز پیشرو است



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز

صورت نبوده و نیست.

**هنرمندان در خلق اثر معمولاً یک هدف زیر متنی را دنبال می کنند، بر خبی برای سر گرمی، عده ای برای آگاهی دادن و تفهیم یک پیام و عده ای دیگر هم به دنبال این هستند که با خلق اثر چالشی در ذهن مخاطب بوجود بیاورند، شما در زمان نویسی به دنبال چه هستید؟**

هدف اصلی من این است که آمار کتاب خواندن را در جامعه بالا ببرم و کسانی را که دیگر کتاب نمی خوانند را کتابخوان کنم، دوست دارم خواننده کتابی را بخواند و لذت سرگرم شدن با کتاب را تجربه کند در همین حال اطلاعاتی را هم از این مسیر به خواننده بدهم. به همین خاطر تمام وقایعی که در زمان های من بازگو می شوند همه و همه بر مبنای اتفاقات مستند و واقعی هستند.

**نویسندگی را به عنوان یک شغل چگونه دیده اید؟**

سال هاست که در این حوزه کار می کنم و تنها محل ارتزاق و منبع درآمد من از همین شغل است.

**انتشار دیجیتال کتاب های تان در پلتفرم ها موفق تر بوده است یا نسخه کاغذی؟**

نسخه کاغذی هنوز پیشرو است، زمان عزرائیل به چاپ سوم یعنی بالای ۳ هزار تار رسید در حالی که آمار فروش طاقچه خیلی پائین تر است. با اینکه مبلغ نسخه کاغذی خیلی بیشتر است. به نظرم جمعیت کتابخوان و کتاب دوست ما خیلی اهل وب گردی نیستند و شیوه های سنتی برای جذب این اقشار بیشتر جواب می دهد یعنی همین که مستقیماً به کتابفروشی رفته و با گشت و گذار و تورق کتاب ها با گاهی با مشورت و توصیه دوستان کتابی را انتخاب کرده و می خرند.

**آیا جشنواره جلال در بهتر دیده شدن کتاب کمک کرده است؟**

این جشنواره برای من دو فایده داشت اولین آن همان جایزه نقدی ۵۰ میلیون تومانی بود و دوم اینکه بعد از اتمام جشنواره، در روزهای اول و دوم بارسانه های مختلف برای پوشش خبری مصاحبه کرده ام. اینکه حمایت خبرگزاری ها در فروش کتاب تاثیر داشته است یا نه؟ اطلاعی ندارم و باید در این مورد ناشر نظر بدهد.

داستانی و مطالعه کتاب و تحقیق می شود. مثلاً اگر پروسه نوشتن را یک دوره ۸ ماهه فرض کنید، ۶ ماه از این زمان صرف همین طراحی خط داستانی با جزئیات می شود. علاوه بر آن تمرین های نویسندگی من از کودکی با روزنگاری و خاطره نویسی آغاز شده است.

**چند سال است که دیگر نویسندگی برای شما جنبه شغلی پیدا کرده است؟**

من متولد ۱۳۶۵ هستم و از سال ۱۳۹۶ با نوشتن رمان اثر یا کار حرفه ای خود را شروع کردم این رمان در سال ۱۳۹۹ چاپ شد. اثر یا زمانی در ژانر جنگی است که به اتفاقات جنگ سوریه با داعش می پردازد. رمان دوم من عزرائیل، در دو جلد است که در سال ۱۴۰۰ منتشر شد که جلد اول (کهنه سرباز) در جشنواره جلال شایسته تقدیر شد، کهنه سرباز یک رمان تاریخی، سیاسی و امنیتی است که سیر تاریخی ایران را از انقلاب ۱۳۵۷ تا اکنون در حوزه امنیتی روایت می کند. زلزله ده ریشتری نیز عنوان چهارمین رمان است که بر پایه تخیل نوشته شده و بیشتر سیاسی است.

**چطور شد که به نگارش رمان در این ژانرها علاقه مند شدید؟**

همیشه دوست داشتم اطلاعات تاریخی و سیاسی را در قالب یک اثر مخاطب پسند خصوصاً برای جوانان بازگو کنم. ژانر جنگی برای مخاطب به لحاظ هیجان و تعلیقی که دارد جذاب است.

**صرف مخاطب گرایی باعث این تصمیم شده است یا خودتان هم به این موضوعات علاقه داشتید؟**

نمونه های خارجی نویسندگی در این ژانر همیشه برایم جذاب بوده است و از طرفداران پروپاقرص فردر یک فورسایت نویسنده انگلیسی تبار استاد بلامنزاع نویسندگی در این ژانر بودم.

**کاراکترها چطور در داستان شما زاده می شوند، عمدتاً آنها را می بینید، یا می سازید؟**

رمان نویسی برای من مثل یک بازی است، شخصیت ها را نمی بینم همه را می سازم و در اثر جانمایی می کنم، شاید خیلی از نویسندگان می گویند که کاراکترها را می بینند، با آنها زندگی می کنند، از شادی و غم هایشان ناراحت و یا خوشحال می شوند اما برای من اصلاً به این

سمیه نجفی خاتونی - دنبال بهانه های بودم برای اینکه بنویسم، قلم روی کاغذ می رقصید اما جوهر نم نمی داد، فکر کردن یا نکردن! آیا می توانستم با تمرکز روی موضوعی، بهانه ای به دست قلم بدهم تا اعترافی از او بگیرم. فرقی نمی کرد از چه بنویسم، تنها به نوشتن فکر می کردم و نوشتن بود که از من می گریخت. انگار دچار بیماری موروثی اجدادی ام خشکی قلم شده ام. بیماری رایجی که برای اکثر نویسندگان اتفاق می افتد، جایی که نویسنده دیگر نمی تواند چیزی بنویسد و به اصطلاح قلمش خشک می شود. خشک شدنی که مربوط به ذهن نویسنده است. در این شرایط چه باید بکنیم؟ جواب ساده است خواندن، خواندن و خواندن. محصول نویسنده کلمات و خوراک او نیز کلمات است. بسیاری از نویسندگان باور دارند که چندین برابر آنچه که می نویسند، می خوانند و بعد از آن نوشتن، نوشتن و نوشتن ولو هر چیز! مهم نیست چه چیزی؟ فقط بنویسید. یادتان باشد این نیست که بگوئید زمانی را می گذارم که فکر کنم و حتماً یک ایده خوب پیدا خواهیم کرد. چرا که ایده های ناب همیشه در حالی دست می دهد که شما عمیقاً مشغول فعالیتی هستید. خبرنگار صبا در باره همین موضوع با نیما اکبرخانی نویسنده معاصر ایرانی که چهار رمان اثری، عزرائیل (دو جلد) و زلزله ده ریشتری را وارد بازار نشر کرده است هم داستان شده است که در ادامه می خوانید.

**آیا تا به حال در نویسندگی به بن بست رسیده اید که فریاد بزنید، دیگر نمی توانم؟**

بیشتر نویسندگان گانی که متنی را با پایان باز و نامحدود به رشته تحریر در می آورند با این مسئله مواجه می شوند. برای بنده پروسه نوشتن رمان یک بازده زمانی ۶ ماهه الی ۱ ساله است که بیشتر این زمان را صرف مطالعه می کنم. هر کسی که نویسندگی را به عنوان شغل در زندگی خود می پذیرد باید حداقل روزی ۶ ساعت را به مطالعه اختصاص دهد، کتاب خواندن جنبه ای از شغل نویسندگی است. این زمان برای من از زمان نوشتن هم مهم تر است. معمولاً قبل از شروع به نگارش روی تخته وایت برد کلیات نقشه راه داستان را با جزئیات می کشم و کاملاً بر فصل بندی و مسیر اتفاقاتی که قرار است بیفتد مسلط هستم. به همین دلیل بیشتر زمانم صرف طراحی خط



# شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir